

جامعه‌شناسی احساسات مذهبی در زندگی روزمره (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران)

زهره عزیزآبادی، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، ایران
مسعود کیانپور، استادیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، ایران*

چکیده

پویائی زندگی دینی در جامعه ایرانی، توجه‌کردن به احساسات مذهبی را ضروری می‌کند. تاکنون در بحث‌های جامعه‌شناسی دین، به بعد احساسی آن توجه کافی نشده است. پژوهش حاضر که با استفاده از رویکرد کیفی و انجام مصاحبه عمیق با ۱۲ نفر از دانشجویان عضو تشکل بسیج اسلامی و نهاد رهبری در دانشگاه تهران انجام شده است، با رویکردی جامعه‌شناختی به‌طور خاص احساسات دینی را در این گروه از دانشجویان تفسیر می‌کند. احساسات دینی با توجه به مفهوم رژیم احساسی برگرفته از کار ریس و وودهد (2010) بررسی می‌شوند که در آن روابط دیالکتیکی بین فرد، جامعه و نمادها اهمیت دارد. از ارتباط‌های دیالکتیکی میان این سه عنصر، در حالت داشتن یا نداشتن تعادل، در کل ۱۲ فرایند شکل می‌گیرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهند رژیم احساسی دانشجویان مطالعه‌شده، به‌سمت فرایندی تمایل دارد که در این پژوهش «سوژه‌سازی حاد» نامیده شده است؛ یعنی ممکن است یک نماد مذهبی همچون عاملی قدرتمند و نه پدیده‌ای ساخته دست بشر، در ذهن کنشگر نقش بندد و او را به واکنش شدید احساسی ترغیب کند. افراد شرکت‌کننده در این مطالعه، در رابطه با سه گونه متفاوت نمادهای دینی، یعنی نمادهای انسانی (جاندار)، غیرانسانی (بی‌جان) و نیمه‌انسانی (نیمه‌جاندار)، احساسات شدید دینی را تجربه می‌کنند. درانتها الگوی رژیم احساسی ذکرشده، نقد و بررسی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌شناسی احساسات دینی، رژیم احساسی، سوژه‌سازی حاد، نمادهای دینی، روش کیفی

مقدمه و بیان مسأله

دغدغه فهم ماهیت رازآلود و مبهم احساسات، همواره برای انسان مطرح بوده است. این سخن ارسطو که می‌گوید: «خشمگین شدن مهم نیست؛ بلکه مهم این است که انسان بفهمد چرا، چگونه، چه موقع و کجا باید خشمگین شود» (هیوجز، به نقل از ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۸: ۳۶)، مهر تأییدی بر این امر است که انسان همواره در صدد فهم ماهیت این جنبه از وجود خویش بوده است. علاوه بر مسئله فهم ذات احساسات، امروزه پژوهشگران به دنبال درک نقشی‌اند که احساسات در کنش‌های انسانی بازی می‌کنند. اگر با این سخن وبر که می‌گوید «تنها حوزه‌های خاصی از زندگی یعنی اقتصاد، بوروکراسی و علم، عقلانی شده‌اند و حوزه‌های دیگر عمدتاً غیرعقلانی باقی مانده‌اند» (Goodwin et al., 2004: 3) موافق باشیم، باید بر اهمیت پژوهش‌های جامعه‌شناختی احساسات به‌ویژه در زندگی دینی افراد اذعان کنیم. پژوهشگران علوم اجتماعی احساسات را به دسته‌های مختلفی تقسیم کرده‌اند که در این میان، احساسات دینی از جمله احساسات اخلاقی محسوب می‌شوند. ترنر احساسات اخلاقی را شامل شرم، گناه، دلسوزی، همدردی، اهانت، عصبانی شدن، تنفر، سپاسگزاری و تشکر از دیگران می‌داند. تانگنی و دیرینگ نیز احساسات اخلاقی را شامل شرم، گناه، همدردی و دلسوزی می‌دانند (Turner & Stets, 2006: 544). در جوامعی مانند ایران که حکومت، مشروع بودن خود را از دین کسب می‌کند، بررسی نقش احساسات دینی در زندگی افراد اهمیت بسزایی دارد. به‌ویژه گروه‌هایی که علت‌های بسیاری از کنش‌های سیاسی خود را منسوب به دین می‌دانند. نمونه‌ای از این کنش‌ها در فعالیت انجمن‌ها و تشکل‌های دینی در دانشگاه‌ها مشاهده می‌شود. بسیج اسلامی و نهاد رهبری دو تشکل دینی - سیاسی در دانشگاه‌ها هستند که از جمله اهداف آنها، «توسعه و تعمیق آگاهی‌ها و علاقه‌های اسلامی دانشجویان و تبیین ارزش‌های اسلامی» و نیز «ایجاد و گسترش فضای معنوی و اسلامی در دانشگاه‌ها» است (اساس‌نامه نهاد رهبری). بر این اساس، مقاله حاضر چگونگی

تجربه احساسات دینی دو گروه از دانشجویان دانشگاه تهران را بررسی می‌کند که عضو بسیج اسلامی و نهاد رهبری‌اند. چارچوب مفهومی مقاله وامدار الگویی برای تجزیه و تحلیل احساسات دینی است که از کار دو جامعه‌شناس اروپایی به نام‌های ریس و وودهد^۱ (2010) الهام گرفته است و در آن احساسات دینی براساس مفهوم رژیم احساسی^۲ مطالعه می‌شوند. برای فهم چگونگی تولید احساس دینی باید به مؤلفه‌های اجتماعی آن و همچنین نمادهایی توجه کرد که در یک اجتماع، نماد دینی محسوب می‌شوند. در واقع یک رژیم احساسی از ارتباطها و بازخوردهایی سرچشمه می‌گیرد که میان فرد، اجتماع و نماد در جریان است و در طول زمان به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود؛ بدین ترتیب سؤال اصلی این پژوهش این است که احساسات دینی چگونه در قالب یک رژیم احساسی تولید می‌شوند؟ همچنین احساس دینی غالب بر رژیم احساسی گروه‌های مطالعه شده چیست؟

پیشینه پژوهش

تأثیر جامعه‌شناسان کلاسیک همچون دورکیم و وبر بر شکل‌گیری جامعه‌شناسی احساس انکارنکردنی است؛ اما مفهوم احساس موضوع نسبتاً جدیدی در حوزه جامعه‌شناسی است. «رشد روزافزون توجه به موضوع احساسات در پایه‌گذاری بخش جامعه‌شناسی احساسات در انجمن جامعه‌شناسی آمریکا در ۱۹۸۶ و همچنین نوشتن مقاله‌های زیاد در سال‌های اخیر، در این حوزه مشهود است» (Thoits, 1989: 317). در اواخر این حوزه از دهه ۱۹۷۰ به بعد، به‌طور جدی در محفل‌های علمی مطرح شد. این جامعه‌شناسان به‌طور خاص عوامل اجتماعی و فرهنگی شکل‌دهنده احساسات را بررسی می‌کنند. جامعه‌شناسی احساسات از همان ابتدای شکل‌گیری به دو جبهه مخالف ساخت‌مندی اجتماعی و اثبات‌گرایی تقسیم شد (کیانپور، ۱۳۹۱؛ ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۸). اثبات‌گرایان در جستجوی آن

¹ Riis & Woodhead

² Emotional regime

مذهب انجام شده است، کتاب جان کوریگان^۱ (2004) با عنوان *مذهب و احساس* است. مطالعاتی از این دست بیشتر در حوزه روان‌شناسی دین قرار گرفته‌اند. در مطالعات انجام شده در حوزه جامعه‌شناسی دین، کمتر به بعد احساسی تجربه دینی توجه شده است. مطالعاتی از این دست بیشتر در حوزه روان‌شناسی دین قرار دارند تا جامعه‌شناسی دین؛ برای مثال ویلیام جیمز (in: Thagard, 2005: 59)، عقاید دینی را مبتنی بر «طبیعت احساسی» افراد می‌داند و معتقد است احساسات، منبعی غنی برای دین به شمار می‌آیند؛ اما بدون شک یکی از آثار کلاسیک جامعه‌شناسی که برای احساسات نقش برجسته‌ای قائل است، کتاب معروف امیل دورکیم به نام *اشکال نخستین حیات مذهبی* است. در این کتاب دورکیم با تکیه بر مطالعات انسان‌شناختی روی قبیله‌های بدوی استرالیا، پدیده دین را تحلیل می‌کند.

مطالعات جامعه‌شناسی دین در کشور خودمان هم سابقه دارد؛ ولی بیشتر این مطالعه‌ها یا با هدف سنجش ارزش‌ها و نگرش‌های افراد با عنوان «سنجش دین‌داری» و با روش پیمایش انجام شده‌اند یا میزان عرفی شدن در گروه‌های مختلف اجتماعی را بررسی کرده‌اند. از مجموعه مطالعات متعدد این حوزه عبارت‌اند از: مطالعه سراج‌زاده (۱۳۷۸) با عنوان «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولاریزاسیون» یا مطالعه توسلی و مرشدی (۱۳۸۵) با عنوان «بررسی سطح دین‌داری و گرایش‌های دینی دانشجویان»؛ میرزایی و همکاران (۱۳۹۳) نیز مقاله‌ای با نام «بررسی رابطه نوسازی و تغییر نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان شهر و روستای سندج» نگاشته‌اند. بر این اساس، مطالعه حاضر ضمن معرفی نظریه کمتر شناخته‌شده ریس و وودهد در حوزه جامعه‌شناسی احساسات دینی، درصدد است با به‌کار بستن برخی عناصر و مفهوم‌های این نظریه، درباره گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران، در نقش کنشگران دینی، با رویکردی کیفی مطالعه کند.

دسته از ساختارهای اجتماعی‌اند که احساسات افراد را تولید می‌کنند. از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این ساختارها، تودور کمپر^۱ (1981) است که با رویکردی ساختارگرایانه، احساسات را به دو مفهوم قدرت و منزلت در روابط اجتماعی پیوند می‌زند. رندال کالینز^۲ (2004) نیز از دیگر نظریه‌پردازان این رویکرد است که با بسط تحلیل‌های دورکیم، مفهوم «انرژی احساسی»^۳ را مطرح می‌کند؛ اما در طیف مقابل، ساخت‌مندان اجتماعی قرار دارند که از مهم‌ترین نظریه‌پردازان آن آرلی هوقشیلد است. او با الهام‌گرفتن از گافمن، احساسات را برساختی اجتماعی می‌داند که کنشگران، فعالانه آنها را مدیریت می‌کنند و از «قواعد احساسی»^۴ نام می‌برد که در مدیریت احساسات، راهنمای افرادند (Hochschild, 1979).

در ایران مطالعات جامعه‌شناسی احساسات ناشناخته نیست. در این زمینه پژوهش‌های زیر نگاشته شده‌اند: مقاله رفیع‌پور (۱۳۷۵) با عنوان «جامعه، احساس و موسیقی»، کتاب در ستایش شرم نوشته قاضی‌مرادی (۱۳۸۷)، مقاله ربانی خوراسگانی و کیانپور (۱۳۸۸) با عنوان «جامعه‌شناسی احساسات»؛ همچنین افضل‌پور (۱۳۸۹) جامعه‌شناسی احساسات در ادبیات منظوم ایران را بررسی کرده است. گروسی و محمدی (۱۳۹۳) عوامل اجتماعی مؤثر بر مدیریت احساسات را بررسی کرده‌اند. شهیدی (۱۳۹۳) احساس تنهایی میان جوانان شهر تهران را از نظر جامعه‌شناسی بررسی کرده است. شریتیان و طوافی (۱۳۹۵) نیز احساس امنیت زائران را در شهر مشهد ارزیابی کرده‌اند.

در حوزه مطالعات جامعه‌شناسی دین هم کارهای بسیاری صورت گرفته است. برای نمونه باید به جامعه‌شناسی دین اثر ملکم همیلتون^۵ (2002)، جامعه‌شناسی دین اثر میشل دیلون^۶ (2003) یا جامعه‌شناسی دین اثر برایان ترنر^۷ (2010)، اشاره کرد؛ اما در این حوزه کمتر به بعد احساسی مذهب توجه شده است. از جمله معدود کارهایی که با توجه به بعد احساسی

¹ Kemper

² Collins

³ Emotional energy

⁴ Feeling Rules

⁵ Hamilton

⁶ Dillon

⁷ Turner

چارچوب مفهومی

در این مقاله برای بررسی نقش احساسات در تجربه دینی، از مفهوم رژیم احساسی ریس و وودهد استفاده شده است که به مکانیزمی بازخوردی میان فرد، جامعه و نمادهای دینی اشاره دارد. در ادامه عناصر مفهومی نظریه ذکر شده تشریح می‌شوند.

رژیم احساسی

طبق نظر ریس و وودهد، یک رژیم احساسی از یک طرف دربرگیرنده آن دسته از مکانیزم‌های روانی و زیستی است که تولید و تجربه احساسات را ممکن می‌کند؛ از طرف دیگر به قواعد فرهنگی و آداب و رسوم توجه دارد که از طریق آنها هنجارهای احساسی در ساختارهای کاملاً اجتماعی و نمادینی مثل خانواده، محیط کار یا یک گروه دینی، ساخته و وضع می‌شوند. در قلب هر رژیم احساسی یک هدف احساسی منحصربه‌فرد وجود دارد. با تشبیه به دنیای موسیقی، ریس و وودهد بیان می‌کنند که این هدف احساسی با یک نوت متمایز احساسی مشخص می‌شود: «برخی رژیم‌ها نوت‌های ترس، رقابت و حسادت را به صورت نوت مسلط نشان می‌دهند و برخی نوت‌های هیجان، شادی و سرگرمی را تسلط می‌بخشند» (Riss & Woodhead, 2010: 47)؛ برای مثال، در کشور ما مراسم سوگواری برخی از خرده‌فرهنگ‌ها، موقعیتی است که در آن از زن‌ها انتظار می‌رود ناراحتی خود را با بروز حالت‌های شدید احساسی مانند گریه همراه با جیغ و شیون نشان دهند. بهار در پژوهشی چنین استدلال می‌کند: «واکنش زنان خانواده عامل مهمی در تغییر ساختار عزاداری است؛ زیرا عکس‌العملی که این افراد نشان می‌دهند، در معمولی و رسمی بودن عزاداری و مدت زمان مراسم تأثیرگذار است» (بهار، ۱۳۸۰: ۱۶۵).

پوش‌های احساس دینی: ارتباط‌های فرد، جامعه و نمادهای دینی

برای تحلیل یک رژیم احساسی دینی، باید به ارتباط‌های دیالکتیکی بین فرد، جامعه و نمادهای دینی توجه کرد. در این

الگو، احساس دینی زمانی بروز می‌یابد که افراد از لحاظ احساسی با نمادهای دینی یک اجتماع دینی مرتبط شوند. این امر شامل سه دسته از روابط است که به آنها اشاره می‌شود؛ اما قبل از آن باید مفهوم‌های مرتبط با آنها روشن شوند.

نمادهای دینی

در بررسی احساسات و به‌ویژه احساسات دینی، نمادها نقش محوری دارند. «الیاده، نماد را وسیله‌ای می‌داند که انسان با آن با موجودات متعالی ارتباط می‌یابد» (جعفری، ۱۳۸۷: ۶۶). نمادهای دینی در شکل‌دهی به احساسات دینی در قالب رژیم احساسی مهم‌اند. «دورکیم و کالینز معتقدند نمادها توانایی ذخیره احساسات را در گردهمایی‌های مناسکی دارند. این نمادها در حوزه دین می‌توانند به سه صورت جاندار (مثلاً یک حیوان یا شخصیت مقدس)، بی‌جان (مثل تسبیح یا صلیب) یا نیمه‌جاندار (مثل یادگاری یا اثری از یک شخصیت مذهبی) باشند» (Riis & Woodhead, 2010: 38). سروش نیز با ارائه نوعی تقسیم‌بندی از انواع دین‌ورزی، معتقد است «نقش نمادهای مقدس در دین‌ورزی مصلحت‌اندیش عامیانه بسیار پررنگ است؛ زیرا حجم مناسک فردی و جمعی در این نوع دین‌داری بالاست و فرد همواره به دنبال واسطه‌هایی می‌گردد. به همین دلیل زیارتگاه‌ها همواره شلوغ‌تر از مسجدها هستند» (سروش، ۱۳۷۸: ۲۳)؛ بنابراین نمادهای دینی یکی از اجزای اصلی شکل‌دهنده هر رژیم احساسی دینی‌اند که همواره بر نقش آنها تأکید می‌شود.

ابژه‌سازی^۱ و سوژه‌سازی^۲

ابژه‌سازی یعنی تعریف یک نماد خاص برای فراخوانی احساساتی خاص؛ به عبارت دیگر، تجسم احساسات فردی در یک شیء نمادین که با تحریک احساسات افراد دیگر از طریق یک زبان عمومی در اجتماع منتشر می‌شود؛ نمادهایی مانند یک نقاشی، یک مجسمه یا یک ساختمان، صورت‌های

¹ objectification

² subjectification

همان طور که متناظر با فرایند ابژه‌سازی، فرایند سوژه‌سازی برای نمادهای دینی وجود دارد، در کنار تقدس‌بخشی باید از مفهوم دیگری به نام «حک‌کردن» سخن گفت؛ یعنی فرایندی که با آن، تأثیر یک نماد دینی بر اجتماع نهاده می‌شود. در این فرایند، نمادها در نقش گونه‌ای از منابع فرهنگی عرضه می‌شوند؛ برای مثال، مجموعه اعمالی که هر سال در مناسک حج اجرا می‌شوند، به گونه‌ای حک شده‌اند که مسلمانان از کشورهای مختلف به شکل یکسان آنها را به جا می‌آورند تا یک توده یک‌شکل را هنگام اجرای اعمال مربوط به حج تشکیل دهند.

درون‌ریزی^۳ و برون‌ریزی^۴

درون‌ریزی به فرایند چگونگی تأثیرگذاری جامعه بر زندگی احساسی افراد اشاره دارد. جامعه از همان دوره اولیه کودکی با روش‌های گوناگون سبب ایجاد عادت‌های احساسی خاصی در افراد می‌شود. پدر و مادرها با خرید کتاب‌های قصه‌ای که مضمون‌های دینی دارند، مدرسه‌ها و مسجدها با برگزاری برنامه‌های دینی به مناسبت‌های مختلف دینی مانند جشن تکلیف و مانند آن، به شکل‌گیری عادت‌های احساسی دینی کمک می‌کنند. مفهوم برون‌ریزی نیز به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن احساسات شخصی افراد بر گروه تأثیر می‌گذارد. شاید در اینجا این جمله ویلیام جیمز راه‌گشا باشد که می‌گوید: «عارفان برجسته در اوج شکوفایی‌شان، تجربه‌ها و مکاشفه‌های خود را به صورت دقیقی به نظم درمی‌آورند و فلسفه‌ای را بر پایه آن بنیاد می‌نهند» (جیمز، ۱۳۹۱: ۲۴). در واقع عارفان بزرگ در طول تاریخ، مکاشفه‌های خود را مبنایی برای چگونگی سیر وسلوک و احساسات دینی قرار داده‌اند که این امر سبب شکل‌گیری انواع خاصی از رژیم‌های احساسی می‌شود و مریدان باید طبق این رژیم‌ها، احساسات دینی خود را تجربه کنند.

تجسم‌یافته احساسات خاص‌اند. احساسات ذکر شده به شکلی بی‌ثبات‌تر و نامحسوس‌تر با روش‌هایی مانند بیان یک افسانه، خواندن یک آواز، نوشتن یک کتاب، آماده‌کردن یک نوع غذا و مانند آن جایگاه ابژه‌گانی به دست می‌آورند (Riss & Woodhead, 2010: 96-97). در نقطه مقابل، سوژه‌سازی به فرایندی اشاره دارد که طی آن یک شیء نمادین در ذهن فرد رخنه می‌کند و نوعی واکنش دینی را در او برمی‌انگیزاند؛ برای مثال تشریف به حرم امام رضا (ع) را در نظر بگیرید: وقتی زائر شیعه وارد این فضا می‌شود، مجموعه‌ای از نمادهای دینی شامل نوشته‌ها و دعاهایی که بر در و دیوارها نصب شده‌اند، ضریح مطهر، پارچه‌های سبز روی آن، گنبد طلایی‌رنگ، کبوترهای در حال پرواز، پنجره فولاد، عطر گلاب، نورافشانی فضا با چلچراغ‌ها و مواردی از این دست، همگی اشیای نمادینی‌اند که جایگاه سوژه‌گانی فرد را برای تجربه احساسات عمیق دینی تثبیت می‌کنند و واکنش‌های احساسی در او ایجاد می‌کنند.

تقدس‌بخشی^۱ و حک‌کردن^۲

تقدس‌بخشی عبارت است از فرایند مشروعیت‌بخشیدن به یک شیء، در نقش یک نماد دینی توسط اجتماع یا رهبری که به انسجام بیشتر مؤمنان می‌انجامد و سبب می‌شود آنها هویت قوی‌تری را برای خود تعریف کنند. طبق نظر ریس و وودهد، شخصیت‌های دینی اعم از رسمی و غیررسمی، نقش مهمی در تقدس‌بخشی دارند؛ اما نمادهای تقدیس شده چنان قدرتی دارند که در نهایت یا به قدرت رهبر پهلوی می‌زنند یا حتی از آن سبقت می‌گیرند (Riss & Woodhead, 2010: 102-103). در طول تاریخ حکومت‌های دینی همواره نمادهای خاصی را تقدس بخشیده‌اند؛ برای مثال، در ایران دوره صفویه که تشیع، مذهب رسمی کشور انتخاب شد، توجه زیادی برای تبلیغ و ترویج این مذهب صورت گرفت. «در این دوره مکان‌های زیارتی در ایران توسعه زیادی پیدا کرد و بر جنبه آستانه‌ای (بارگاہی) آن به شدت افزوده شد» (نیازمند به نقل از یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۵).

³ Internalization

⁴ externalization

¹ consecration

² insinuation

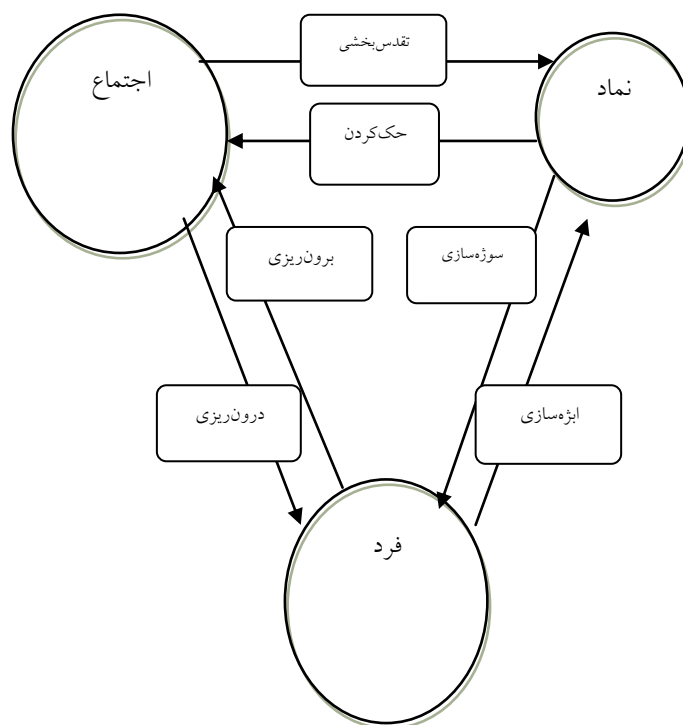
مرتبط می‌شوند. این مکانیزم‌ها در حالت نداشتن تعادل سبب تغییر یک رژیم احساسی می‌شوند؛ برای مثال، هرگاه «درون‌ریزی حاد»^۱ رخ دهد، یعنی رژیم احساسی تنها احساساتی را مجاز می‌شمارد که با چارچوب قدرت و رهنمودهای جامعه هماهنگی داشته باشند (Riss & Woodhead, 2010: 125). ممکن است افراد احساساتی را از خود بروز دهند که لزوماً با احساسات درونی‌شان تناسب ندارد. این امر پیش‌بینی می‌شود که در چنین شرایطی، دورویی در بروز احساسات افزایش می‌یابد و افراد چیزی را بروز می‌دهند که واقعاً تجربه نمی‌کنند اما مقبولیت اجتماعی به همراه دارد. به همین شکل، فرایند «برون‌ریزی حاد»^۲ وقتی رخ می‌دهد که افراد احساسات فردی خویش را با قدرت و بدون هیچ‌گونه کنترل اجتماعی توسط جامعه نشان دهند (Riss & Woodhead, 2010: 125). نمونه آن در برخی فرقه‌های عرفانی مسلک وجود دارد که دین‌ورزی‌شان از نوع دین‌ورزی بی‌شکل است؛ زیرا تنها مبنای آن احساسات درونی است و مرجع و منشأ دین‌ورزی، تنها درون فرد تلقی می‌شود (عریستانی، ۱۳۸۴: ۹۶).

به همین شکل، فرایند سوژه‌سازی حاد^۳ وقتی رخ می‌دهد که یک نماد دینی به پدیده‌ای فوق طبیعی (نه ابزاری ساخته دست بشر) تبدیل شود و فرد را به عکس‌العمل احساسی شدید وادار کند. نمونه آن همان فتیشیسم یا شی‌پرستی است که در بافت دینی سبب می‌شود شیء موردنظر، موجودی زنده و قوی تصور شود که به‌طور بالقوه خطرناک است و تنها افراد برگزیده می‌توانند به آن نزدیک شوند (Riss & Woodhead, 2010: 134). شاید بتوان نیرویی را که افراد به پارچه‌ها و سایر اشیای ساییده‌شده به مکان‌های متبرکه نسبت می‌دهند (برای مثال، قدرت شفابخشی)، در این زمینه تحلیل کرد.

روابط دیالکتیکی بین سوژه‌سازی و سوژه‌سازی ممکن است به سوژه‌سازی حاد^۴ نیز متمایل شود؛ یعنی وقتی نمادها قدرت

بازخوردهای دیالکتیکی در رژیم احساسی متعادل

فرایندهایی که یک رژیم احساسی متعادل را می‌سازند، در شکل ۱ نشان داده شده‌اند. در چنین رژیمی، افراد برای تجربه احساسات دینی باید در جایگاه ابژه‌گانی قرار گیرند؛ بدین منظور، احساسات آنها با تقدس‌بخشیدن به نمادهایی که جامعه آنها را حک کرده است، وارد فرایند درون‌ریزی می‌شوند و بدین طریق کنشگر احساسات دینی خود را با ابژه‌سازی نمادهایی که از نظر جامعه مقدس‌اند، تجسم می‌بخشد. احساسات وابسته به چنین نمادهایی با فرایند برون‌ریزی با دیگران به اشتراک گذاشته می‌شوند و خود این فرایند دوباره با فرایندهای تقدس‌بخشی و حک کردن، منظم و مرتب می‌شود (Riss & Woodhead, 2010).



شکل ۱ - رژیم احساس دینی در حالت تعادل (Riss & Woodhead, 2010: 118)

بازخوردهای دیالکتیکی در رژیم احساسی نامتعادل

همان‌طور که در شکل بالا مشاهده می‌شود، فرایندهای دیالکتیکی مختلفی از طریق مکانیزم‌های بازخوردی، به یکدیگر

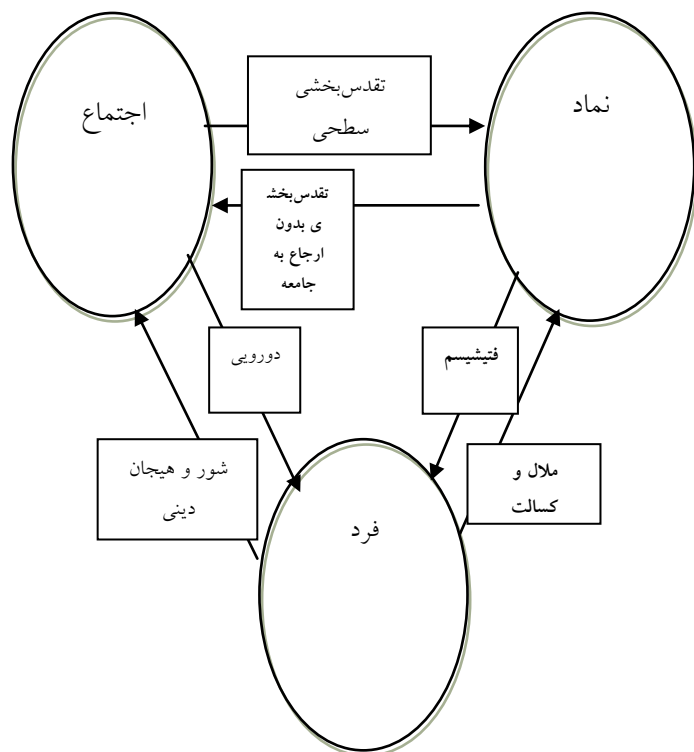
¹ Ultra-internalization

² Ultra-externalization

³ Ultra-subjectification

⁴ Ultra-objectification

بر جای می‌گذارند و به مرور چه بسا از ارزش آنها کاسته می‌شود (Riss & Woodhead, 2010: 140-141).



شکل ۲ - رژیم احساس دینی در حالت نداشتن تعادل (Riss & Woodhead, 2010: 141)

همان گونه که مشاهده می‌شود، ارتباط‌های دیالکتیکی میان عناصر این الگو در دو حالت تعادل‌داشتن و تعادل‌نداشتن، در کل ۱۲ فرایند را شکل می‌دهند که به صورت همزمان عمل می‌کنند و احساسات مذهبی افراد را شکل می‌دهند؛ بنابراین برای بهره‌گیری از این دیدگاه ترکیبی در مطالعه احساسات مذهبی، هر یک از عناصر این الگو به صورت مجزا در گروه‌های مطالعه‌شده، بررسی شده‌اند.

روش پژوهش

با توجه به هدف این پژوهش که به دنبال کنکاش در تجربه‌های احساس دینی افراد در قالب مفهوم رژیم احساسی است، از روش کیفی بهره گرفته شد. ساده‌ترین تعریف

ایجاد عکس‌العمل احساسی مناسب در افراد را نداشته باشند؛ اما هرگاه نمادهای جمعی قدرت تأثیر گذاشتن بر افراد را داشته باشند ولی ساختار قدرت به آنها تقدس نبخشد، فرایند حک کردن حاد رخ می‌دهد. نمونه‌های زیادی از این فرایند در اتفاق‌هایی دیده می‌شود که بخشی از مردم مذهبی، در یک شیء یا مکان آنها را شکل می‌دهند ولی نهاد رسمی قدرت آنها را تأیید نمی‌کند؛ برای مثال «در عاشورای سال ۱۳۸۵ خبرهایی ناشی از ظهور تصویر حضرت عباس بر دیوار خانه‌ای در شهر قدس در اطراف شهریار در رسانه‌ها منعکس شد. ماجرا از این قرار بود که خانمی مدعی دیدن تصویر حضرت عباس (ع) روی دیواری می‌شود (ابژه‌سازی) و سپس از همسایگان می‌خواهد به محل بیایند و تصویر را ببینند. بعد از تصدیق این واقعه توسط دیگران، افراد زیادی به محل مذکور می‌آیند و مراسم عزاداری امام حسین را روبه‌روی دیوار برگزار می‌کنند (حک کردن)؛ اما دولت این ادعا را تصدیق نمی‌کند و مأموران روی دیوار رنگ می‌پاشند (حک کردن حاد). ظاهراً پس از این واقعه برخی همچنان کنار آن دیوار جمع می‌شوند و شمع روشن می‌کنند و مراسم عزاداری و سینه‌زنی برپا می‌کنند» (آیاز، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

همان طور که مشاهده شد، شش نوع رابطه دیالکتیکی یک طرفه از هم تفکیک می‌شود. اگر یکی از این رابطه‌ها غالب شود، بر دیگر فرایندها نیز تأثیر می‌گذارد و رژیم احساسی را به نداشتن تعادل سوق می‌دهد. به نظر می‌رسد دو نوع از این بازخوردها از بقیه مهم‌تر باشند؛ اولی شور و هیجان را بالا می‌برد و دیگری سبب ملال و بی‌زاری می‌شود (شکل ۲). شور و هیجان دینی زمانی بالا می‌رود که نمادها، عکس‌العمل‌های احساسی شدیدی را در کنشگران فردی برانگیزند. این امر ممکن است در بافت یک جنبش سیاسی یا ظهور یک رهبر کاریزمایک رخ دهد و پیامدهای اجتماعی و سیاسی مهمی به دنبال داشته باشد؛ اما وقتی افراد حس کنند نمادها، قدرت‌های متعالی ندارند و تنها یک شیء مادی‌اند، این اثر ملالت‌بار را

¹ Ultra-insignation

است که با فرمان امام خمینی (ره) تشکیل شد. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها هم در سال ۱۳۶۸ تأسیس شده است. برای انجام مصاحبه‌ها از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است که در آن افراد شرکت‌کننده براساس میزان دانش و اطلاعات خاصی که درباره یک پدیده دارند و با هدف درمیان‌گذاشتن این اطلاعات انتخاب می‌شوند. منطق و قدرت نمونه‌گیری مبتنی بر هدف، در انتخاب افراد غنی از اطلاعات برای مطالعه عمیق آنها نهفته است (حاج‌باقری به نقل از برزو، ۱۳۹۳: ۸۷)؛ بنابراین در گزینش افراد سعی شد افرادی انتخاب شوند که بیشتر فعالیت‌های مذهبی دارند. همچنین تا حد ممکن اصل ناهمگنی برای دوری از یکنواختی پاسخ‌ها رعایت شد. مصاحبه با مشارکت‌کنندگان تا حد رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و با ۱۲ نفر مصاحبه شد.

جدول ۱ - ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد مطالعه‌شده

جنسیت	زن	مرد
تعداد	۶	۶
سن هنگام مصاحبه	حداکثر ۲۶	متوسط ۲۳
محل سکونت	خوابگاه	تهران
تعداد	۵	۷
سطح تحصیلات	کارشناسی	کارشناسی‌ارشد
تعداد	۹	۱

اعتبار پژوهش

لینکلن و گوبا، چهار معیار پذیرفتنی بودن^۲، انتقال‌پذیری^۳، توانایی اطمینان^۴ و تأییدپذیری^۵ را برای پژوهش طبیعت‌گرایانه برمی‌شمرند (به نقل از صدوقی، ۱۳۸۷: ۶۱). برای تضمین معیار اول، حضوری مداوم در میدان پژوهش وجود

پژوهش کیفی عبارت است از: پژوهشی که یافته‌های آن با روش‌های آماری یا سایر ابزارهای کمی‌سازی به دست نیامده باشد (اشتراوس و کوربین به نقل از دولانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۸). اینگونه پژوهش‌ها مطالعه درباره زندگی افراد، تجربه‌های زنده، رفتارها، هیجان‌ها و احساسات آنها و همچنین عملکردهای زمانی، تحرک‌های اجتماعی و پدیده‌های فرهنگی را شامل می‌شوند (حریری به نقل از برزو، ۱۳۹۳: ۸۲). در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات، از روش مصاحبه عمیق و مشاهده همراه با مشارکت استفاده شد. از آنجا که پژوهش حاضر مبتنی بر یک چارچوب مفهومی و نظری مشخص است، برای تحلیل داده‌ها از روش «تحلیل محتوای جهت‌دار»^۱ بهره گرفته شد. تحلیل محتوای جهت‌دار یکی از سه رهیافت موجود در زمینه تحلیل محتوای کیفی است (ایمان، ۱۳۹۰: ۲۲). شی‌به و شانون معتقدند وقتی یک نظریه یا مجموعه‌ای از پژوهش‌های پیشین درباره یک پدیده وجود دارند که ممکن است برای توصیف بیشتر پدیده مفید باشند، پژوهشگر باید از روش تحلیل محتوای جهت‌دار استفاده کند. به گمان آنها هدف تحلیل محتوای جهت‌دار، اعتباردادن یا بسط مفهومی یک چارچوب نظری یا نظریه است (Hsieh & Shannon, 2005: 1281)؛ بنابراین با توجه به اینکه رژیم احساسی، مبتنی بر ارتباط‌های چند مفهوم است، در این پژوهش برای بررسی احساسات دینی افراد، مصداق‌های این مفهوم‌ها در زندگی روزمره دانشجویان یافت شده است تا رژیم احساسی آنها تشریح شود.

میدان پژوهش و روش نمونه‌گیری

میدان پژوهش، دانشگاه تهران و اعضای فعال دو تشکل بسیج دانشجویی و نهاد رهبری است که آمار دقیقی از تعداد آنها در اختیار پژوهشگران نبود؛ اما این تعداد میان ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر حدس زده شد. بسیج دانشجویی تشکلی مذهبی - سیاسی

^۱ Directed content analysis

^۲ credibility

^۳ transferability

^۴ dependability

^۵ confirmability

خلاصه شده است. همچنین واحدهای معنایی مرتبط با سؤال پژوهش مشخص شده است؛ زیرا همهٔ جواب‌های پاسخگو مرتبط با سؤال پژوهش نبوده است.

یافته‌های پژوهش

هدف پژوهش حاضر ارائهٔ الگویی از رژیم احساسی حاکم بر شکل‌های نهاد رهبری و بسیج اسلامی است. رژیم احساسی بر مؤلفه‌های اجتماعی شکل‌گیری احساس تأکید دارد. این رژیم حاصل ارتباط‌های دیالکتیکی میان فرد، جامعه و نمادهای دینی است. این ارتباط‌ها حامل فرایندهایی اند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. این فرایندها برای فهم گونه‌های مختلف رژیم احساسی ضروری‌اند.

ابژه‌سازی

وقتی افراد احساسات دینی خود را در نماد خاصی متبلور می‌کنند یا فرد خاصی را برای رهبری دینی برمی‌گزینند که تجلی‌گاه احساسات معنوی آنهاست، فرایند ابژه‌سازی رخ می‌دهد. این نماد هر چیزی می‌تواند باشد؛ از اشیای بی‌جان گرفته تا شخصیت‌های مقدس. پاسخ‌گویان احساسات دینی خود را به گونه‌های خاصی آشکار می‌کنند؛ از نگهداری وسیله‌ها و تصویرها و اشیای متبرک تا داشتن احساس احترام و دوست‌داشتن شخصیت‌های دینی. این احساسات ممکن است به شکلی بی‌ثبات‌تر و نامحسوس‌تر نیز جایگاه ابژه‌گانی بیابند (Riss & Woodhead, 2010: 96-97). این امر سبب بازتولید احساس معنوی در فرد می‌شود و زمینهٔ انتقال آن را به دیگران فراهم می‌کند. جدول زیر نشان‌دهندهٔ چگونگی شکل‌گیری مضمون ابژه‌سازی است.

داشت و مشاهدهٔ اعمال و مناسکی که اعضای این گروه‌ها انجام می‌دادند، مبنایی را برای تفسیر درست صحبت‌های مشارکت‌کنندگان و احساسات بیان‌شده توسط آنان ایجاد کرد. همچنین با تنظیم برخی بحث‌های گروهی با اعضای دیگر این گروه‌ها سعی شد به مواردی دست یافته شود که ممکن است از دید پژوهشگران دور مانده باشد. درنهایت مصاحبه‌ها به مشارکت‌کنندگان ارائه و دربارهٔ درستی برداشت‌ها از آنان نظرخواهی شد. همچنین، ارائهٔ شرحی از چگونگی نحوهٔ بررسی رژیم‌های احساسی و هریک از فرایندهای متناظر با آن و مستندکردن داده‌ها، مبنایی را برای تضمین قابلیت اطمینان فراهم آورد. تأییدپذیری، جایگزین مفهوم عینیت است که فنی‌هایی چون چندجانبه‌گری، ابزارهای مفیدی برای آن محسوب می‌شوند (صدوقی، ۱۳۸۷: ۶۲). در این پژوهش از میان چهار نوع چندبعدی‌سازی که دنزین از آنها یاد می‌کند (به نقل از فلیک، ۱۳۹۱: ۴۳۵)، با تلفیق مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته و مشاهدهٔ همراه با مشارکت، تلاش شد چندبعدی‌سازی روش‌شناختی انجام شود.

مراحل تحلیل مصاحبه

ابتدا متن، براساس مراحل پیاده شد که هیسنر برای تحلیل مصاحبه برشمرده است. در این مرحله جمله‌ها و حالت‌های غیرشفاهی و حرکت‌های بدن مصاحبه‌شونده باید در متن منعکس شوند. در مرحلهٔ بعد سعی شده است دیدگاه‌ها و پیش‌فرض‌های شخصی پژوهشگر وارد تحلیل نشود. هیسنر این مرحله را پرائتزگذاری و تقلیل‌پدیدارشناسی می‌نامد (Hycner, 1985: 280)؛ مرحلهٔ سوم گوش‌دادن به مصاحبه برای درک کلیت آن است. درنهایت واحدهای عام معنایی ترسیم شده‌اند؛ یعنی سخنان مصاحبه‌شوندگان به زبان خودشان

جدول ۲ - فرایند استخراج مضمون ابژه‌سازی از مقولات مرتبط

تم	ابژه‌سازی	مقوله
کد	ابژه‌سازی محسوس (بی‌جان) نگهداری عکس‌ها و تصویرهای آیت‌الله خامنه‌ای، داشتن عکس‌های رهبران مذهبی در صفحه دسک‌تاپ تلفن همراه، داشتن وسیله‌های تزئینی همچون پیکسل با تصویر آیت‌الله خامنه‌ای، انتشار نشریه‌ها و نوشتن مقاله‌ها با رویکردی مذهبی، ارسال پیامک‌ها و ایمیل‌ها با مضامین مذهبی	ابژه‌سازی محسوس (جاندار) تأیید امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای در نقش رهبران دینی
جمله‌ها	مثلاً دیدی آدم یه آهنگی گوش می‌ده، بعد همش تو ذهنشه؟ منم این عکس‌ها (عکس آیت‌الله خامنه‌ای) رو می‌گذارم تا مدام جلوی چشمم باشن و مدام تو ذهنم یادآوری بشن (مصاحبه شماره ۵).	همین که انقلاب اسلامی کردیم، در مسیر حرکتی بوده که امامان شروع کرده‌اند. بسیج با این رویکرد نگاه می‌کنه که می‌خواد جامعه اسلامی رو محقق کنه و برمبنای اصول اسلام که در قرآن و احادیث اومده به رهبری حضرت امام و آقا این هدف رو پیش ببره (مصاحبه شماره ۳).
	من سعی می‌کنم امور دینی‌مو تا حد ممکن به بهترین وجه انجام بدم و تو هر عرصه‌ای کارام رنگ دینی داشته باشه؛ از نوع پوششم بگیر تا درسی که می‌خونم و فعالیتی که تو نهاد انجام می‌دم و... (مصاحبه شماره ۴).	
	حتی بعضی غذاها که دین اسلام سفارش کرده، خیلی خیلی الان ثابت شده خیلی خیلی برای سلامتی خوبن (مصاحبه شماره ۴).	

سوژه‌سازی

وقتی احساسات افراد از ارتباط با نماد خاصی برانگیخته شود، فرایند سوژه‌سازی احساس رخ می‌دهد. پاسخ‌گویان با دیدن اشیا، مکان‌ها و بعضی شخصیت‌های دینی، احساسات معنوی و دینی را تجربه می‌کنند که هریک از این موارد از آنجا که مرجع احساسات متفاوتی می‌شوند، نمادی دینی محسوب می‌شوند. این احساسات شامل دوست داشتن و علاقه، دل‌تنگی، شرمندگی، غبطه، افتخار و... می‌شوند. در واقع در اینجا نمادبودن یک مکان، شیء، فرد یا هر چیز دیگری به احساسی وابسته است که ممکن است در یک کنشگر شکل گیرد. در حالتی که رژیم احساسی یک گروه یا کل جامعه به سمت

ابژه‌سازی حاد نامتعادل شود، نمادهای دینی توانایی برانگیختن احساسات را ندارند. شکلی از ابژه‌سازی حاد زمانی رخ می‌دهد که یک اثر هنری مذهبی به سبب ارزش زیباشناختی و اقتصادی‌اش در مرکز توجه باشد. موزه‌ها و گالری‌ها چارچوبی را برای ارائه نمادهای مذهبی عرضه می‌کنند که فاصله زیادی از آن رژیم احساسی دارند که نمادها در کانون آن جای داشته‌اند (Riss & Woodhead, 2010: 136). در یک جامعه دینی، مثل جامعه ما، بسیاری از مکان‌ها، افراد و اشیا منبعی برای برانگیختن احساسات مختلف دینی برای گروه‌های گوناگون مذهبی‌اند. به گفته یکی از پاسخ‌گویان:

را به بهترین نحو انجام داده‌اند. در اینجا گلزار شهدا نمادی است که احساس شرمندگی را در فرد تحریک می‌کند و او را برای کنش سیاسی در زمینه اهداف شهیدان آماده می‌کند. جدول زیر نمونه‌ای از مقوله‌بندی مفهوم سوژه‌سازی است:

«وقتی می‌رم گلزار شهدا، خیلی احساس شرمندگی می‌کنم. احساس می‌کنم اونا وظیفه‌شونو در حد اعلی به انجام رسوندن اما من چی؟» (مصاحبه شماره ۲).
در مثال بالا کنشگر با حضور در گلزار شهدا احساساتی معنوی و از جمله احساس شرمندگی را نسبت به شهیدان تجربه می‌کند؛ زیرا آنها را افرادی می‌داند که وظیفه دینی خود

جدول ۳ - فرایند استخراج مضمون سوژه‌سازی از مقولات مرتبط

تم	سوژه‌سازی
مقوله	تحریک احساس ناشی از ارتباط با نماد
زیرمقوله	تحریک احساس از نمادهای جاندار نیمه‌جاندار
کد	احساس دوست‌داشتن امامان، داشتن احساسات دوست‌داشتن، غبطه‌خوردن، افتخار، شرمندگی نسبت به شهیدان، احساس دوست‌داشتن و پیروی از آیت‌الله خامنه‌ای، احساس دوست‌داشتن و پیروی از روحانیانی که در زمینه سخنان رهبر عمل می‌کنند.
جمله‌ها	خیلی به آقا (آیت‌الله خامنه‌ای) علاقه دارم. اصن وقتی به جوری می‌شینم که حس ناراحتی دارن، دلم غم می‌گیره (مصاحبه شماره ۱۱). خیلی دوست دارم از آقای خامنه‌ای چیزی بگیرم، چون معتقدم آقا با امام زمان در ارتباطن. چغیه یا تسبیح یا هر چیز ایشون، اون تبرک و حالت شفا‌دهندگی رو داره (مصاحبه شماره ۱).
	تحریک احساس از نمادهای بی‌جان احساس غم و اندوه و شوق در مکان‌های دینی مانند حرم امامان (ع) و امامزاده‌ها، داشتن احساساتی معنوی نسبت به خاک کربلا، پارچه‌هایی که در مراسم عزاداری نصب می‌شوند، اشیا و پارچه‌هایی که به حرم امامان متبرک شده‌اند، داشتن حس معنوی در طبیعت، همچنین دیدن تصویرهای دینی، خطاطی و معرق‌کاری‌های آیه‌های قرآن

درون‌ریزی

از دیگر مفاهیمی که در یک رژیم احساسی تعریف می‌شود، مفهوم درون‌ریزی است. افراد با قرارگرفتن در محیطی دینی، احساسات دینی را درونی می‌کنند. در مصاحبه‌ای که با پاسخ‌گویان انجام شد، مشخص شد تمام پاسخ‌گویان در خانواده‌هایی دینی پرورش یافته‌اند. در این خانواده‌ها تأکید زیادی بر انجام واجبات دینی و شرکت در مناسک جمعی وجود دارد؛ مثلاً یکی از پاسخ‌گویان می‌گوید:

«من خودمو مذهبی می‌دونم. به خاطر فضایی که توش بزرگ شدیم، از کوچیکی تو مسجد بزرگ شدیم... ماه

رمضون‌ها بودش با نبودش فرق می‌کرد، محرم‌ها با خونواده می‌رفتیم هیئت» (مصاحبه شماره ۱۰).

همچنین طی مصاحبه با پاسخ‌گویان مشخص شد خانواده‌ها معیارهای سخت‌گیرانه‌تری برای تعریف دین دارند. چنانکه یکی از پاسخ‌گویان در جواب این سؤال که دین‌داری شما سنتی است یا روشنفکرانه؟ چنین می‌گوید:

«منظورتون رو از دین‌داری سنتی نمی‌فهمم. من این خوانش‌های جدیدی که بعضاً مطرح می‌شه و می‌گن خوانش روشنفکرانه، در چارچوب دین اسلام نمی‌دونم» (مصاحبه شماره ۱۱).

همچنین پرورش افراد در مدرسه‌های دینی از عوامل درون‌ریزی احساسات دینی است. پاسخ‌گویان اظهار می‌دارند رفتن به مدرسه‌های دینی و آموزش توسط معلمان دینی تأثیر زیادی بر دین‌دار شدن آنها داشته است. محیط پرورش افراد مهم‌ترین امر در فرایند درون‌ریزی احساسات دینی است. همچنین فرایند درون‌ریزی با مشاهده چگونگی انجام مناسک دینی فهمیده می‌شود. در روزهای عاشورا دانشجویان در قالب

هیئت‌ها برای امام حسین (ع) عزاداری و برنامه‌های مختلفی را با سخنرانی شخصیت‌های دینی برگزار می‌کنند. پاسخ‌گویان انجام امور روزمره و فعالیت‌های سیاسی خود را با ارجاع به سخنان رهبران دینی، به‌ویژه آیت‌الله خامنه‌ای انجام می‌دهند که هم یک شخصیت دینی و هم یک رهبر سیاسی‌اند. در جدول زیر فرایند ایجاد مضمون درون‌ریزی ترسیم شده است:

جدول ۴ - فرایند استخراج مضمون درون‌ریزی از مقولات مرتبط

مضمون	درون‌ریزی
مقوله	یادگیری امور دینی در اجتماع
زیرمقوله	یادگیری امور دینی - سیاسی در محیط خانواده
مضمون	یادگیری امور دینی - سیاسی در محیط دانشگاه
مضمون	رفتن به مکان‌های دینی مثل مسجدها، زیارتگاه‌ها و مقبره‌های بزرگان دین، تأکید خانواده بر انجام واجبات دینی مثل نماز، روزه، نماز جماعت و...، هدیه‌دادن چادر نماز و دیگر اشیای دینی به پاسخ‌گویان توسط پدر و مادر، آموزش امور دینی به شیوه‌ای جذاب توسط مادر، یادگیری امور دینی توسط معلمان مدرسه‌های ابتدایی، یادگیری احترام به ولی فقیه در خانواده، شرکت افراد در برنامه‌های مختلفی که توسط نهاد رهبری و بسیج اسلامی صورت می‌گیرد؛ مانند برگزاری سفرها و اردوها به منطقه‌های جنگی، برگزاری کلاس‌های مختلف برای شناخت ولایت فقیه و...
جمله‌ها	من خودمو مذهبی می‌دونم، به دلیل فضایی که توش بزرگ شدیم، از کوچیکی تو مسجد بزرگ شدیم (مصاحبه شماره ۱۰). ما هر چند وقت یک بار اردوهایی رو برگزار می‌کنیم واسه آشنایی بچه‌هایی که تازه میان (مصاحبه شماره ۵). اونایی که خودشون تأیید کنن (مصاحبه شماره ۱).

برون‌ریزی

در مقابل مفهوم درون‌ریزی باید مفهوم برون‌ریزی را بررسی کرد. افراد با فرایند برون‌ریزی به بازتولید احساساتی کمک می‌کنند که توسط محیط، درونی کرده‌اند. پاسخ‌گویان برای انتقال و بازتولید احساسات دینی و گسترش آن در سطح جامعه برنامه‌ها و کلاس‌های مختلفی را برگزار می‌کنند تا به تازه‌واردها این احساسات و خط‌مشی خاص خود را انتقال دهند. یکی از پاسخ‌گویان اشاره می‌کند که:

«سعی می‌کنم این امور رو (امور دینی) به نحو احسن

انجام بدم و تو این فضایی که هستم [دانشکده] اون رو به

بقیه سرایت بدم» (مصاحبه شماره ۷).

یا یکی دیگر از پاسخ‌گویان می‌گوید:

«اولین و مهم‌ترین کاری که ما باید انجام بدیم،

نیروسازی» (مصاحبه شماره ۱۰).

درواقع پاسخ‌گویان اشاعه دین خود و خط‌مشی سیاسی

وابسته به این دین را از وظایف خود می‌دانند. در جدول زیر

فرایند استخراج مضمون برون‌ریزی مشاهده می‌شود:

جدول ۵ - فرایند استخراج مضمون برون‌ریزی از مقولات مرتبط

مضمون	برون‌ریزی
مقوله	اشاعه دین در اجتماع
زیرمقوله	اشاعه دین از طریق آموزش اعضای خودی
کد	برگزاری کلاس برای دانشجویان ورودی برای آموزش امور دینی و مبحث‌های مربوط به ولایت فقیه، جذب افراد به امور دینی و سیاسی از طریق تشکیل گروه‌های دوستی مانند تشکیل گروه برای جذب افراد بیشتر، دادن هدیه‌ها و بسته‌های فرهنگی با مضمون دین و ولایت فقیه به دانشجویان، برگزاری جلسه‌های مختلف برای بهبود عملکرد اعضا برای جذب افراد
جمله‌ها	من می‌گم اسلام باید منشأ اثر باشه، من که تو بسیج دانشگاه تهران علوم سیاسی می‌خونم با اون‌ها که تو بیرجند فرق می‌کنه، اسلام می‌گه تو هر جا هستی، بنا به اقتضائات اونجا یکسری تکلیف رو دوشته، ما خوب نشریه می‌زنیم، کلاس می‌گذاریم، کلاس‌های جریان‌شناسی و عقیدتی می‌گذاریم، حلقه کتاب‌خوانی می‌گذاریم و... (مصاحبه شماره ۱۰).

تقدس‌بخشی و حک کردن

برای تکمیل فرایندهای مرتبط با رژیم احساسی دینی، باید به دو مفهوم دیگر یعنی حک کردن و تقدس‌بخشی نیز اشاره کرد. از آنجا که این مفهوم‌ها در سطح خرد سنجیدنی نیستند، به‌طور مستقیم نمی‌توان از پاسخ‌گویان درباره این فرایندها سؤال کرد؛ اما راه‌هایی برای بررسی آنها وجود دارد. برای تحلیل تقدس‌بخشی باید دید چگونه رهبران یک گروه، نمادها را به‌عنوان یک نقطه ارجاع احساسی، انتخاب، تصدیق، طراحی یا حذف می‌کنند و انتخاب این نمادها چگونه با هدف‌های گسترده‌تر گروه و توزیع قدرت موجود پیوند می‌خورد (Riss & Woodhead, 2010: 226). در این پژوهش سندها، کتاب‌ها و بیانیه‌هایی مطالعه شدند که رهبران گروه منتشر کرده و در آنها به نماد خاصی ارجح نهاده بودند. همچنین نمادهایی در نظر گرفته شدند که نمادهایی شیطانی و مطرود بودند و بیزاری از آنها از پیروان انتظار می‌رفت. پیروی از آیت‌الله خامنه‌ای محور فعالیت‌های سیاسی و مذهبی دانشجویان است؛ مثلاً یکی از اهداف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها که در اساس‌نامه آن آمده است، «توسعه و تعمیق آگاهی‌ها و علاقه‌های اسلامی دانشجویان و دانشگاهیان و تبیین ارزش‌های اسلامی» است (اساس‌نامه نهاد رهبری). پیوند قدرت سیاسی با ارزش‌های دینی رهبران جامعه سبب تقویت و بازتولید این قدرت شده است و پایه مشروع بودن آنها را فراهم می‌آورد و این امر خود سبب ایجاد زمینه‌ای برای تقدس‌بخشی به نمادهای دیگر توسط این افراد و تقدس‌زدایی و طرد نمادهای دیگر توسط آنها می‌شود.

چنانکه برخی نمادهای دینی همچون اشخاصی نظیر آیت‌الله منتظری از رهبران گروه‌های مطالعه‌شده طرد شده‌اند. فرایند مقابل تقدس‌بخشی، یعنی حک شدن زمانی صورت می‌گیرد که تأثیرهای ناشی از یک نماد دینی در جامعه نهادینه شود. این نماد ممکن است یک شیء، فرد، مکان یا اثر و نشانی از فردی مقدس باشد. از نمونه‌های بارز مکان‌های مقدس در این مطالعه، حرم امام رضا (ع) است که برای تمام افراد مطالعه‌شده قداست والایی دارد. همچنین اعضا، امامان معصوم (ع) و شخصیتی چون امام خمینی (ره) را ستایش می‌کنند و بسیاری از افراد احساساتی معنوی را در رابطه با آنها تجربه می‌کنند. همچنین اعضای جامعه تقدس خاصی برای موارد زیر قائل‌اند: قرآن، خاک کربلا، کتاب‌های دعا، پارچه‌هایی که بر ضریح حرم امام رضا (ع) می‌بندند و اشیای دیگری که از آنها برای تبرک استفاده می‌کنند. بسیاری از افراد مطالعه‌شده این اشیاء را در قالب جاکلیدی، پیکسل و تصویرهای دیجیتالی با خود حمل می‌کنند و جلوی چشم خود قرار می‌دهند.

حک شدن با تقدس‌بخشی ارتباط متقابلی دارد. افراد مطالعه‌شده برای شهیدان جنگ تحمیلی تقدس زیادی قائل‌اند؛ زیرا عمل آنها تنها فداکاری برای میهن نبوده است؛ بلکه این کنش آنها در چارچوب دین تعریف می‌شود و به آنها عنوان شهید و به عمل آنها نام جهاد در راه دین داده می‌شود؛ یعنی مفهوم‌هایی که از قرآن کریم گرفته شده‌اند؛ بنابراین مکان‌هایی که این افراد در آنها دفن شده‌اند و نیز هر شیء که به آنها منسوب است، تقدس می‌یابد. درواقع در هر دوره‌ای جامعه به بعضی افراد، مکان‌ها یا اشیای خاص تقدس می‌دهد و این

جامعه ما هستند. مثلاً پاسخ‌گویی می‌گوید:

«من اعتقاد دارم چیزی که از آقا می‌گیرم تبرک، مثلاً کسی که مریض می‌شد می‌رفت پیش آقای بهجت ایشون به دعا می‌خوند، می‌داد طرف خوب می‌شد، به دلیل اون مقامی که داشتند و اون بندگی که برای خدا کرده بودند، خب خدا یکسری چیزها بهشون می‌داد» (مصاحبه شماره ۲).

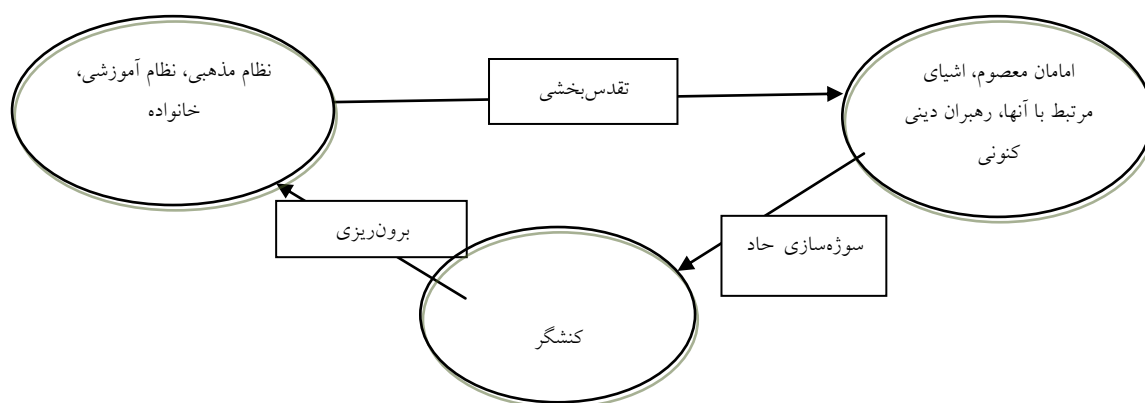
و یا پاسخ‌گوی دیگری اذعان می‌دارد:

«به این اعتقاد دارم که کسی که خالص کرده خودشو برای خدا، نفسش برای کسی که دعا کنه شفاست، مثلاً استادی داشتیم که بچه‌ها با هم رقابت داشتند که کی بقیه آب استکانشو بخوره. به تبرک و گرفتن چیز متبرک از آقا هم اعتقاد دارم» (مصاحبه شماره ۱۱).

یا پاسخ‌گوی دیگری اظهار می‌دارد:

«خیلی دوست دارم از آقای خامنه‌ای چیزی بگیرم، معتقدم چون آقا با امام زمان در ارتباطن، چغیه یا تسبیح یا هرچیز ایشون، اون تبرک و خاصیت شفادهنگی رو داره» (مصاحبه شماره ۱).

همان‌طور که در این نقل‌قول‌ها مشاهده می‌شود، پاسخ‌گویان یک ویژگی ماورای طبیعی به این نمادها نسبت می‌دهند؛ بنابراین الگوی این تعادل‌نداشتن به شکل زیر ترسیم می‌شود:



شکل ۳ - یک‌طرفه شدن رابطه به سمت سوزه‌سازی حاد

دهد چگونه احساسات دینی افراد به واسطه ارتباط‌های دیالکتیکی میان فرد، جامعه و نمادها شکل می‌گیرد؛ این روابط به سه دسته تقسیم می‌شوند. مکانیزم بدین صورت است که ابتدا افراد از آن دسته از نمادهای دینی تأثیر می‌پذیرند که قبلاً

نمادها ثابت نیستند. از آنجا که این شخصیت‌ها با دین پیوند خورده‌اند، با جامعه‌پذیری دینی افراد مطالعه‌شده ارتباطی تنگاتنگ دارند؛ چنانکه یکی از پاسخ‌گویان می‌گوید:

«از همون اول تو خانواده ما آقا (آیت‌الله خامنه‌ای) مطرح بودند و احترام زیادی بهشون گذاشته می‌شد و ما به هیچ‌وجه اجازه نمی‌دادیم به ایشون توهینی بشه» (مصاحبه شماره ۷).

و همین پاسخ‌گو در جایی دیگر می‌گوید:

«ما ایشون رو نماد اسلام می‌گیریم. نماد مجریان اسلام، یک فردی که داره احکام اسلامی رو اجرا می‌کنه».

یک‌طرفه شدن روابط در رژیم احساس دینی

روابط میان فرد، جامعه و نمادهای دینی ممکن است یک‌طرفه شوند و تعادل موجود در رژیم احساسی را بر هم زنند. این تعادل‌نداشتن در رژیم احساسی افراد مطالعه‌شده به سمت سوزه‌سازی حاد گرایش دارد؛ یعنی وقتی فرد معتقد است نمادها، نیرویی فرامادی دارند؛ برای مثال، تمام پاسخ‌گویان به ویژگی شفادهنگی خاک کربلا و دیگر اشیا و پارچه‌هایی که به ضریح حرم امامان ساییده شده باشند و نیز به توسل‌جستن به امامان معتقد بودند. این تعادل‌نداشتن درباره آیت‌الله خامنه‌ای نیز وجود دارد که یکی دیگر از نمادهای مهم دینی

نتیجه

در این پژوهش تلاش شد نحوه شکل‌گیری احساسات دو گروه از دانشجویان دانشگاه تهران براساس رژیم احساسی دینی توصیف شود. هدف پژوهش حاضر این بود که نشان

نسبت می‌دهند.

نقدی بر الگوی رژیم احساسی بررسی شده

تا قبل از دهه ۱۹۷۰ به جز کار پیشگامانه امیل دورکیم با عنوان «اشکال نخستین حیات مذهبی»، موضوع احساسات مذهبی در حوزه علوم اجتماعی کمتر بررسی شده بود؛ اما با رشد روزافزون مطالعات در حوزه جامعه‌شناسی احساسات و پایه‌گذاری این حوزه در انجمن جامعه‌شناسی آمریکا در سال ۱۹۸۶، توجه پژوهشگران علوم انسانی و جامعه‌شناسی به بررسی نظام‌مند احساسات به‌ویژه احساسات مذهبی معطوف شد. تا قبل از آن مطالعه احساسات در زمینه مذهب یا نادیده گرفته می‌شد یا اینکه تنها در حوزه روان‌شناسی بررسی می‌شد. ارزش کار ریس و وودهد در توجه به بعد احساسی در مطالعه جامعه‌شناسانه مذهب است. از جمله ویژگی‌هایی که این الگو را منحصر به فرد می‌کند، طرح عنصر «نماد» در تعریف احساسات مذهبی است. به گمان آنها احساساتی، مذهبی نامیده می‌شوند که در بافت یک اجتماع و نمادهای مقدس آن تعریف شوند (Riss & Woodhead, 2010: 209). آنها در تحلیل خود، با ارائه مثال‌های گوناگون از مطالعات موردی که در اجتماع‌های مذهبی گوناگون انجام شده است، کاربرد الگوی نظری خود را در زمینه‌ای تجربی به خوبی نشان داده‌اند. به نظر می‌رسد این الگو چارچوبی تحلیلی برای مطالعه احساسات مذهبی است و توانایی کاربرد در گستره وسیعی از موقعیت‌های اجتماعی را دارد (Beckford, 2011: 209)؛ اما از جهتی دیگر، باید در نظر داشت که این الگو با طرح مفهوم رژیم احساسی و با برجسته کردن احساس به عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از تبیین‌های اجتماعی، در مقابل رویکردهای الهام‌گرفته از منطق روشنگری که احساس را در مقابل عقل بی‌اهمیت می‌شمردند، قد علم کرده است و رویکردی همراه با چندگانگی را ارائه می‌دهد؛ اما در ذات خود نوعی نظام یکسان‌ساز را تعریف می‌کند که از بیرون بر کنشگر تحمیل شده است و احساسات او را شکل می‌دهد. شاید بتوان گفت چنین الگویی بیشتر از رویکردهای دورکیمی و پارسونزی

توسط جامعه بزرگ‌تر مشروعیت یافته‌اند و دوباره آن دسته از احساسات دینی را بازتولید می‌کنند که به واسطه این نمادها شکل گرفته‌اند. از مهم‌ترین عناصر این جامعه که به گفته پاسخ‌گویان تأثیر زیادی در پذیرش یک نماد انسانی (جاندار) همچون رهبر جمهوری اسلامی داشته‌اند، شخصیت‌های مذهبی بانفوذی چون آیت‌الله خمینی است که افراد از نزدیک سیره و روش زندگی آنان را مشاهده و درک می‌کردند. افرادی چون استاد‌های اخلاق، دانشجویان مؤمن و پیشوایان نماز در مرتبه بعدی قرار می‌گیرند؛ بنابراین افراد از طریق برخی نمادهای مذهبی که شناخت عینی‌تر و مستقیم‌تری نسبت به خود آنها دارند، به نمادهای مذهبی دیگر احساسات تعلق می‌یابند. این چرخه، تقدس‌بخشی، سوژه‌سازی و برون‌ریزی را در بر می‌گیرد. همچنین جامعه با تأثیرگذاری بر زندگی احساسی افراد، سبب شکل‌گیری احساسات دینی در فرد می‌شود و افراد با ابژه‌سازی احساساتی خود در نمادهای دینی، شرایط را برای گسترش این احساسات و نهادینه‌شدن آنها در جامعه فراهم می‌کنند (حک‌کردن). در این فرایند، نمادها نقشی تعیین‌کننده دارند. این نمادها شامل شخصیت‌های دینی، مکان‌های مقدس، زیارتگاه‌ها و مقبره‌های بزرگان و شهیدان، کتاب‌های دعا و دینی، اشیای منسوب به بزرگان دین، عکس‌ها و وسیله‌های تزئینی با مضمون دینی می‌شوند. تمام دانشجویان مطالعه‌شده به امامان و نمادهای مرتبط با آنها احساس علاقه زیادی داشتند. دانشجویان احساسات خود را در قالب پیکسل‌ها، عکس‌ها، جاسوئیچی و وسیله‌های تزئینی ابژه‌سازی می‌کردند. نمادهایی که شاید تا چند دهه پیش در جامعه ما وجود نداشت. این اشیاء نمونه خوبی از توانایی جامعه امروزی در نمادسازی است. دانشجویان این اشیاء را که نام امامان بر آنها نوشته شده است، بر لوازم شخصی مثل کیف‌های درسی نصب می‌کنند و بدین وسیله به انتقال احساسات مذهبی به جامعه بزرگ‌تر و تثبیت احساسات خود کمک می‌کنند. در مطالعه حاضر مشخص شد رژیم احساسی گروه‌های بررسی‌شده به سمت سوژه‌سازی حاد، حالت تعادل‌نداشتن دارد؛ یعنی افراد نیروهای مافوق طبیعی به نمادها

تبیین احساسات دینی دلالت دارد؛ اما الگوی بررسی شده در این مقاله درکی جامع‌تر از چگونگی شکل‌گیری، تثبیت و تغییر احساسات افراد در اجتماع‌های مذهبی به وجود می‌آورد.

منابع

- آیاز، م. (۱۳۸۷). *سیالیت امر دینی (مطالعه‌ای دربارهٔ زیارتگاه‌ها و زائرین)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- افضل پور، ز. (۱۳۸۹). *بررسی جامعه‌شناسی احساسات در ادبیات منظوم ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور مشهد.
- ایمان، م. (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی»، *مجله عیار پژوهش در علوم انسانی*، س ۳، ش ۲، ص ۴۴-۱۵.
- برزو، س. (۱۳۹۳). *یادآوری جمعی و بازسازی اجتماعی امر گذشته*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته پژوهشگری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- بهار، م. (۱۳۸۰). «نقش و جایگاه زنان در مراسم عزاداری»، *فصلنامه پژوهش زنان*، د ۱، ش ۱، ص ۱۵۷-۱۷۷.
- توسلی، غ. و مرشدی، الف. (۱۳۸۵). «بررسی سطح دین‌داری و گرایش‌های دینی دانشجویان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ش ۴، ص ۱۱۸-۹۶.
- جعفری، ح. (۱۳۸۷). «دین و اسطوره: بررسی فلسفی نظریه میرچا الیاده پیرامون اسطوره»، *نیم‌سال‌نامه تخصصی پژوهش‌نامه ادیان*، س ۲، ش ۴، ص ۷۴-۴۷.
- جیمز، و. (۱۳۹۱). *تنوع تجربه دینی*، ترجمه: حسین کیانی، تهران: حکمت.
- دولانی، ع.؛ حریری، ن.؛ حسن‌زاده، ح. و ولی‌نژادی، ع. (۱۳۹۰). «مروری بر پژوهش کیفی و نرم‌افزارهای تحلیل داده‌های کیفی»، *مجله مدیریت سلامت*، د ۱۵، ش ۴۷، ص ۹۰-۷۷.
- ربانی‌خوارسگانی، ع. و کیانپور، م. (۱۳۸۸). «جامعه‌شناسی

تأثیر می‌گیرد که به سمت ساختار اجتماعی فرومی‌غلتنند و نه تنها برای اندیشیدن خلاقانه از جانب کنشگران جایگاهی قائل نیستند، بلکه چگونگی تجربه‌های احساسی آنها را هم قالب‌ریزی می‌کنند. در الگوی ریس و وودهد، جامعه ساختارهای مسلط احساسی را طی فرایندهایی مانند درونی‌کردن و حک کردن، هم به صورت مستقیم و هم به واسطه نمادها (سوژه‌سازی) بر افراد تحمیل می‌کند. چنین رویکردهایی در نقطه مقابل نظریه‌هایی قرار دارند که هدف تحلیل خود را در سطح خرد و عامل بودن فردی قرار داده‌اند؛ برای مثال، رندال کالینز که خود به شدت از دورکیم تأثیر گرفته است، ساختار اجتماعی را چیزی نمی‌داند مگر حاصل جمع «رفتارهای تکرارشونده افراد در مکان‌هایی معین، با بهره‌گیری از اشیای مادی معین و برقراری ارتباط‌های مکرر با افرادی معین به واسطه مفهوم‌های نمادین یکسان» (Collins, 1981: 994). بنا به نظر او محرک کل زندگی انسان‌ها «انرژی احساسی» است که طی زنجیره‌های کنش متقابل آیینی منتقل می‌شود (Collins, 2004)؛ بنابراین الگوی رژیم احساسی چشم‌اندازی در سطح خرد ندارد که مکانیزم‌های شکل‌گیری چنین ساختارهایی را از طریق روابط متقابل میان افراد تبیین کند. گرچه آنها بر روابط دیالکتیکی تأکید دارند، در نهایت الگوی آنها نشان‌دهنده روابط متعادل و نامتعادلی است که وجهه ساختاری و کارکردگرایانه آن را آشکارتر می‌کند.

شاید حلقه گم شده در این الگو رویکردی پدیدارشناسانه به تجربه احساس باشد تا در تفسیر کنش‌های احساسی و برساختن آنها نقش فعالانه‌تری به کنشگر بدهد. به گمان شات^۱ (1979) یکی از رویکردهایی که به خوبی قادر است برای توصیف برساخت احساسات کنشگر و همچنین احساسات معینی به کار رود که او آنها را «احساسات نقش‌پذیری» می‌نامد، رویکرد کنش متقابل نمادین است و در آن تأکید اصلی بر توانایی خلاقانه کنشگر در تعریف و تفسیر موقعیت اجتماعی است.

موارد ذکر شده بر نبودن وجود چشم‌اندازی خردنگر در

¹ Shott

احساسات»، اولین همایش علمی - پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی (چکیده‌ای در سیویلیکا)، ص ۱۰-۱. میرزایی، ح؛ شریعتی، س. و باباصفری، ن. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه‌ی نوسازی و تغییر نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان شهر و روستای سنندج»، *مجله‌ی مطالعات تحقیقات اجتماعی در ایران*، ش ۴، ص ۶۳۷-۶۰۳. یوسفی، ع؛ صدیق‌اورعی، غ؛ کهنسال، ع. و مکرری‌زاده، ف. (۱۳۹۱). «پدیدارشناسی تجربی زیارت امام رضا (ع)»، *مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران*، د ۶، ش ۳ و ۴، ص ۱۹۸-۱۸۰.

Beckford, J. A. (2011) "Book Review: Ole Riis and Linda Woodhead A Sociology of Religious Emotion." Oxford: Oxford University Press, *Acta Sociologica*, 54(2): 208-209

Collins, R. (1981) "On the Microfoundations of Macrosociology." *American Journal of Sociology*, 86(5): 984-1014.

Collins, R. (2004) *Interaction Ritual Chain*. Princeton: Princeton University Press.

Corrigan, J. (Ed). (2004) *Religion and Emotion: Approaches and Interpretations*. New York: Oxford University Press.

Dillon, M. (Ed). (2003) *Handbook of the Sociology of Religion*. Cambridge: Cambridge University Press.

Goodwin, J. Jasper, J. M. & Polletta, F. (2004) "Emotional Dimensions of Social Movements." In *The Blackwell Companion to Social Movements*, (ED). DA Snow, SA Soule, H Kriesi, Malden: Blackwell.

Hamilton, M. B. (2002) *The Sociology of Religion: An Introduction to Theoretical and Comparative Perspectives*. London: Routledge.

Hochschild, A. R. (1979) "Emotion Work, Feeling Rules, and Social Structure." *American Journal of Sociology*, 85(3): 551-575.

Hsieh, H. F. & Shannon, S. E. (2005) "Three Approaches to Qualitative Content Analysis." *Qualitative Health Research*, 15(9): 1277-1288.

Hycner, R. H. (1985) "Some Guidelines for the Phenomenological Analysis of Interview Data", *Human Studies*, 8(3): 279-303.

Kemper, T. D. (1981) "Social Constructionist and Positivist Approaches to the Sociology of Emotions." *American Journal of Sociology*, 87(2): 336-362.

Riis, O. & Woodhead, L. (2010) *A Sociology of*

احساسات»، *مجله‌ی جامعه‌شناسی کاربردی*، ش (۲) ۳۴، ص ۶۴-۳۵.

رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۵). *جامعه، احساس و موسیقی: کوششی در جهت آغاز یک بررسی جامعه‌شناختی از اثرات سازنده و مخرب موسیقی در ایران*، تهران: انتشار. سراج‌زاده، ح. (۱۳۷۸). «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه‌ی سکولارشدن»، *نمایه‌ی پژوهش*، ش ۱۰ و ۹، ص ۱۰۵-۱۸. سروش، ع. (۱۳۷۸). «اصناف دین‌ورزی»، *مجله‌ی کیان*، ش ۵۰، ص ۲۶-۲۲.

شربتیان، م. و طوافی، پ. (۱۳۹۵). «تحلیل احساس امنیت گردشگران با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری (مطالعه‌ی موردی زائران کلان‌شهر مشهد)»، *مجله‌ی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، س ۸، ش ۳۰: ۲۱-۴۴.

شهیدی، م. (۱۳۹۳). *کاربرد رهیافت کیفی در بررسی جامعه‌شناسانه‌ی احساس تنهایی*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

صدوقی، م. (۱۳۸۷). «معیارهای ویژه‌ی ارزیابی پژوهش کیفی»، *فصلنامه‌ی روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۵۶، ص ۷۲-۵۵.

عربستانی، م. (۱۳۸۴). «شکل‌گرایی و بی‌شکلی در دین‌ورزی با مطالعه‌ی در ارایش قادری استان کرمانشاه»، *فصلنامه‌ی زیربار*، ش ۵۹ و ۵۸، ص ۱۲۵-۹۳.

فلیک، الف. (۱۳۹۱). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

قاضی‌مرادی، ح. (۱۳۸۷). *در ستایش شرم: جامعه‌شناسی حس شرم در ایران*، تهران: اختران.

کیانپور، م. (۱۳۹۱). «تجارب مدیریت احساسات در نظام مراقبت‌های پزشکی: مطالعه‌ی موردی شهر تورنتو»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، د ۲۳، ش ۴، ص ۵۲-۲۵.

گروسی، س. و محمدی، م. (۱۳۹۳). «عوامل مؤثر بر مدیریت احساسات: کاربست نظریه‌ی جامعه‌شناسی

-
- Religious Emotion.* Oxford: Oxford University Press.
- Shott, S. (1979) "Emotion and Social Life: A Symbolic Interactionist Analysis." *American Journal of Sociology*, 84(6): 1317-1334.
- Thagard, P. (2005) "The Emotional Coherence of Religion." *Journal of Cognition and Culture*, 5(1): 58-74.
- Thoits, P. A. (1989) "The Sociology of Emotions." *Annual Review of Sociology*, 15(1): 317-342.
- Turner, J. H. & Stets, J. E. (2006) "Moral Emotions". In *Handbook of the Sociology of Emotions*, New York: Springer, 544-566.
- Turner, B. S. (Ed). (2010) *The New Blackwell Companion to Social Theory*. Malden: John Wiley & Sons.
- <http://www.nahad.ir/index.jsp?siteid=546#&panel1-1>

Sociology of Religious Emotions in Everyday Life (Case Study: Tehran University Students)

Zohreh Azizabadi

MA. in Social Science Research, University of Tehran, Iran

Masoud Kianpour*

Assistant Professor, Department of Social Sciences, University of Isfahan, Iran

**Corresponding author, e-mail: masoudkianpour@gmail.com*

Introduction

A sociology of religious emotions in Iranian studies becomes important due to the fact that we are living in a religious society. Up until now, in the domain of sociology of religion, there has not been enough attention to the emotional dimension of religious experience. This research takes a sociological approach toward emotions, and especially, it aims to interpret religious emotions of two groups of university students. Qualitative method has been used for this research through in-depth interviews with 12 members of Student Basij Organization and Nahad Rahbari in Tehran University. One of the notable concepts that can be applied to understand religious emotions is the term “emotional regime”, introduced by Linda Woodhead and Ole Riis (2010). Emotional regime emphasizes the dialectical relation among “individual”, “society” and “symbol”. From this relation, 12 processes can be produced with six processes representing a balanced model and six processes representing an unbalanced situation. When the model is balanced, it can be considered as a cycle entailing processes such as “consecration”, “subjectification”, “externalization” and “internalization”, “objectification”, “insignation”. In an unbalanced situation, the model contains processes such as “ultra- consecration”, “ultra-subjectification”, and “ultra-externalization”, “ultra-internalization”, “ultra-objectification”, “ultra-insignation. This emotional regime model highlights the role of symbols in shaping religious emotions. Therefore, in this study researchers used this concept to interpret religious emotions of university students.

Materials and Methods

We have applied a qualitative method to explore religious emotions. The research field is Tehran and research subjects include the active members of “Student Basij Organization and Nahad Rahbari”. The data was gathered using in-depth interviews. Theoretical sampling was applied to collect new cases. The process of sampling continued until reaching theoretical saturation, which occurred after the seventh case was interviewed but sampling continued up to 12th case. For analyzing the data, directed content analysis was used. The words of all respondents were interpreted and evaluated, and then all elements of the model were distinguished and represented.

Discussion of Results and Conclusions

The result of data analysis shows that the emotional regime of the studied students inclines towards ultra-subjectification. That is, a situation in which religious symbols are considered as something powerful (not a man-made object) with the potential to stimulate and rise religious emotions dramatically. Students

experience severe religious emotions in relation to three different religious symbols, namely “animate”, “inanimate” and “semi-animate” symbols. For example, all respondents believed in the healing power of the Karbala soil and other objects and fabrics bounded to the shrine of the Imams. Although this model is very notable for interpreting religious emotions, it has some restrictions. This article tried to address some of these problems. For example, it should be noted that although by highlighting emotions as an integral part of social explanation, this model tries to give emotions their deserved role; it has a rather mechanical approach towards emotions. But having a closer look, it is clear that this model is rooted in Durkheimian and Parsonsian approaches that highlight the role of social structure for shaping emotions. In Woodhead and Riis’s model, the community imposes emotional structures on individuals through processes such as internalization and insignation. So we believe other approaches that start from a micro level are needed to complete this model.

Keywords: Sociology of Religious Emotions, Emotional Regime, Ultra-Subjectification, Religious Symbol, Qualitative Method

References

- Afzalpoor, Z. (2010) "*The Study of the Sociology of emotions in Iranian Literary Literature*", Master's Thesis, Sociology, Payame Noor University of Mashhad. In Persian
- Arabestani, M. (2005) "Formation and Deformation of Religious Vertities with a Study on the Qaderi Dervishes of Kermanshah Province", *Zarywar Quarterly*, 58/59: 125-93. In Persian
- Ayaz, M. (2008) "*The Fluidity of the Religion (A Study of Shrines and Pilgrims)*", Master's Theses, Social Psychology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. In Persian
- Bahar, M. (2001) "The Role and Place of Women in Mourning Ceremonies", *Journal of Women's Research*, 1(1): 157-177. In Persian
- Beckford, J. A. (2011) "Book Review: Ole Riis and Linda Woodhead A Sociology of Religious Emotion." Oxford: Oxford University Press, *Acta Sociologica*, 54(2): 208-209
- Borzou, S. (2014) "*Collective Reminding and Social Reconstruction of the Past*," Master's Thesis, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. In Persian
- Collins, R. (1981) "On the Microfoundations of Macrosociology." *American Journal of Sociology*, 86(5): 984-1014.
- Collins, R. (2004) *Interaction Ritual Chain*. Princeton: Princeton University Press.
- Corrigan, J. (Ed). (2004) *Religion and Emotion: Approaches and Interpretations*. New York: Oxford University Press.
- Dillon, M. (Ed). (2003) *Handbook of the Sociology of Religion*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dolani, A. Hariri, N. Mohammadhassanzadeh, H. Valinejadi, A. (2012) "A Review of Qualitative Research and Current Data Analysis Software", *Journal of Health Administration Iran University of Medical Sciences*, 15 (47) :77-90 (In Persian)
- Flick, U. (2012) "*An Introduction to Qualitative Research*". translated by Jalili, H. Tehran: Ney Publication.
- Garossi, S. and Mohammadi, M. (2014) "*Effective Factors on the Management of Emotions: Applying the Sociology of Emotions*", The First Scientific Conference on Educational Sciences and Psychology of Social and Cultural Disadvantages, p 1-10. In Persian
- Ghazie Moradi, H. (2008) "*In appreciating Shame: Sociology of Shame in Iran*", Tehran: Akhtaran Publication. In Persian
- Goodwin, J. Jasper, J. M. & Polletta, F. (2004) "Emotional Dimensions of Social Movements." In *The Blackwell Companion to Social Movements*, (ED). DA Snow, SA Soule, H Kriesi, Malden: Blackwell.
- Hamilton, M. B. (2002) *The Sociology of Religion: An Introduction to Theoretical and Comparative Perspectives*. London: Routledge.
- Hochschild, A. R. (1979) "Emotion Work, Feeling Rules, and Social Structure." *American Journal of Sociology*, 85(3): 551-575.
- Hsieh, H. F. & Shannon, S. E. (2005) "Three Approaches to Qualitative Content Analysis." *Qualitative Health Research*, 15(9): 1277-1288.
- Hycner, R. H. (1985) "Some Guidelines for the Phenomenological Analysis of Interview Data", *Human Studies*, 8(3): 279-303.
- Iman, M. (2011) "Qualitative Content Analysis". *Journal of Pazhuhesh*, 3(2): 15-44. In Persian
- Jafari, H. (2008) "Religion and Myth: A Philosophical Study of Mircea Eliade's Theory of Myths", *The Semi-Journal of the Religion Research*, 2(4):47-74. In Persian
- James, W. (2012) *The Varieties of Religious Experience: A Study in Human Nature*. Translated by: Kiani, Tehran: Hekmat Publications. In Persian
- Kemper, T. D. (1981) "Social Constructionist and Positivist Approaches to the Sociology of Emotions." *American Journal of Sociology*, 87(2): 336-362.
- Kianpour, M. (2013) "Experiences of Emotion Management in Medical Care (Case Study: Toronto)", *Journal of Applied Sociology*", 23(4): 25-52. In Persian
- Makrizadeh, F. (2012) "Empirical Phenomenology of Pilgrimage", *Journal of Social Studies of Iran*, 3 & 4: 180-198. In Persian
- Mirzayee, H. Shariati, S. & Babasafari, N. (2014) "Investigating the Relationship Between Renovation and Change of Religious Attitudes and Behaviors of youth in the Village and City of Sanandaj ", *Journal of Social Studies and Research*, 4: 603-637. In Persian
- Rabbani Khorasghani, A. and Kianpour , M. (2009) "Sociology of Emotions", *Journal of Applied Sociology*, 34 (2): 64-35. In Persian
- Rafipour, F. (1996) "*Society, Feelings and Music: An Attempt to Initiate a Sociological Study of the Effective and Destructive Impact of Music in Iran*". Tehran: Public Joint Stock Company. In Persian
- Riis, O. & Woodhead, L. (2010) *A Sociology of Religious Emotion*. Oxford: Oxford University Press.
- Sadoughi, M. (2008) "Special Measures for the Evaluation of Qualitative Research". *Journal of*

- Methodology of Humanities*, 56: 55-72. In Persian
- Serajzadeh, H. (1999) "Religious attitudes and Behaviors of Adolescents in Tehran and Its Implications for Secularization Theory", *Research Profile*, 9 & 10: 18-105. In Persian
- Shahidi, M. (2014) *Application of Qualitative Approach in the Sociological Study of Loneliness*, Master's thesis, Social Sciences Research Department, Faculty of Social Sciences, Tehran University. In Persian
- Sharbatian, M. and Tawafi, P. (2016) "Analysis of the Sense of Tourist Safety with Emphasis on Urban Planning (Case Study of Pilgrims of Mashhad Metropolis)", *Journal of New Attitudes in Human Geography*, Eighth, 30: 21-44. In Persian
- Shoja'izand, A. (2014) "The Critique and Evaluation of the Items Used in Religious Surveys in Iran", *Strategy for Culture*, 26: 7-38. In Persian
- Shott, S. (1979) "Emotion and Social Life: A Symbolic Interactionist Analysis." *American Journal of Sociology*, 84(6): 1317-1334.
- Smith, P. (2004) *Cultural Theory: An Introduction*. Translated by Pouyan H. Tehran: Cultural Research office. In Persian
- Soroush, A. (1999) "Guilds of Religiosity", *Kian Magazine*, 50: 26-22. In Persian
- Tavasoli, Gh. and Morshdi, A. (2006) "Studying the Level of Religiousness and Religious Attitudes of Students", *Journal of Sociology of Iran*. 4: 96-118. In Persian
- Thagard, P. (2005) "The Emotional Coherence of Religion." *Journal of Cognition and Culture*, 5(1): 58-74.
- Thoits, P. A. (1989) "The Sociology of Emotions." *Annual Review of Sociology*, 15(1): 317-342.
- Turner, J. H. & Stets, J. E. (2006) "Moral Emotions". In *Handbook of the Sociology of Emotions*, New York: Springer, 544-566.
- Turner, B. S. (Ed). (2010) *The New Blackwell Companion to Social Theory*. Malden: John Wiley & Sons.
- <http://www.nahad.ir/index.jsp?siteid=546#&panel1-1>

